

## ادغام موازی، اشراف چندگانه و ساختار همپایگی پرسشواژه‌ای

یادگار کریمی<sup>۱</sup>

دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه کردستان

هنگامه واعظی

استادیار زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رشت

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۸/۱۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۲/۱۸

### چکیده

همپایگی پرسشواژه‌ای اصطلاحی توصیفی است که در ارجاع به ساخت‌هایی بکار می‌رود که در آنها معمولاً دو پرسشواژه با هم همپایه می‌شوند. همپایگی پرسشواژه‌ای، از لحاظ توصیفی، به دو ساخت همپایگی معمول و پرسش‌های چندگانه مشابهت دارد. علیرغم این شباهت‌های صوری، تدقیق در این ساخت‌ها نمایان می‌سازد که این ساخت هم به لحاظ نحوی و هم معنایی از دو ساخت دیگر متمایز است. به‌طور مشخص، همپایگی پرسشواژه‌ای، برخلاف همپایگی معمول، از قانون همسانی همپایه‌ها (ویلیامز ۱۹۸۱) تبعیت نمی‌کند؛ همچنین تعبیر معنایی این ساخت، برخلاف پرسش‌های چندگانه، از نوع تک-جفتی است. با مبنا قرار دادن این تفاوت‌های معنایی و نحوی، تحلیلی نحوی از ساختار بندهای حاوی همپایگی پرسشواژه‌ای، با بهره‌گیری از شق نظری اشراف چندگانه و ادغام موازی، ارائه می‌گردد که بر اساس آن همپایگی پرسشواژه‌ای برخلاف همپایگی معمول، واقعیت نحوی ندارد. مشخصاً بر پایه-ی این تحلیل، بندهای حاوی همپایگی پرسشواژه‌ای، ساختاری دو-بندی دارند و سازه‌های مشترک VP و TP در دو بند به‌طور موازی، ولی تحت اشراف چندگانه، مشتق و در نهایت در سطح CP همپایه می‌شوند. لذا، همپایگی پرسشواژه‌ای پدیده‌ای آوایی و ثانویه است که برآیند خطی‌سازی دو بند همپایه شده است.

**واژه‌های کلیدی:** ادغام موازی، اشراف چندگانه، همپایگی، پرسشواژه، فارسی

y.karimi@uok.ac.ir

<sup>۱</sup>. رایانامه نویسنده مسئول:

## ۱- مقدمه

همپایگی پرسشواژه‌ای اصطلاحی توصیفی است که در ارجاع به ساخت‌هایی بکار می‌رود که در آنها معمولاً دو پرسشواژه با کلمه‌ی عطف همپایه می‌باشند و خوانشی تک جفتی<sup>۱</sup> از بند شامل درک می‌شود:

(۱) اولین خرید اینترنتی تاریخ کی و چطوری اتفاق افتاد. (برگرفته از daneshvand.com)

(۲) کی و با کی ازدواج کنیم؟ (برگرفته از beytoote.com)

ساخت‌های همپایه‌ی پرسشواژه‌ای دارای قرابت ساختی با دو ساخت همپایگی معمول<sup>۲</sup> و پرسش‌های چندگانه<sup>۳</sup> هستند. از یک‌سو، در همپایگی پرسشواژه‌ای و همپایگی معمول پیوندها توسط کلمه‌ی عطف به هم پیوند می‌خورند و سپس در ساخت شامل قرار می‌گیرند:

(۳) موافقان و مخالفان وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری چه گفتند؟ (برگرفته از mashreghnews.com)

در سویی دیگر، پرسشواژه‌های همپایه همانند پرسشواژه‌های چندگانه ساختی استفهامی را شکل می‌دهند که در آن مورد پرسش بیش از یک عنصر است؛ اگرچه در پرسش‌های چندگانه، پرسشواژه‌ها همپایه نیستند:

(۴) در سوریه چه کسی، کجا، با چه کسی می‌جنگد؟ (برگرفته از sputniknews.com)

در این مقاله سعی داریم نشان دهیم که ساخت همپایگی پرسشواژه‌ای علی‌رغم شباهت‌های روساختی با دو ساخت همپایگی معمول و پرسش‌های چندگانه، دارای ساختاری کاملاً متفاوت از آن دو است. مشخصاً بر پایه‌ی تفاوت‌های نحوی و معنایی همپایگی پرسشواژه‌ای با دو ساخت دیگر، استدلال خواهیم کرد که بندهای حاوی همپایگی پرسشواژه‌ای، در تقابل با دو ساخت دیگر، دارای ساختار دوبندی<sup>۴</sup> هستند؛ بر این اساس، ساختار جمله‌ای همانند (۲)، در پایه به صورت (۵) خواهد بود:

(۵) کی ازدواج کنیم و با کی ازدواج کنیم؟

سپس، با بهره‌گیری از شق نظری ادغام موازی<sup>۵</sup> که منجر به تولید ساختارهای اشراف چندگانه<sup>۶</sup> می‌شود، نشان خواهیم داد که سازه‌ی مشترک در دو بند (ازدواج کنیم)، در

1. single-pair

2. ordinary coordination

3. multiple wh-questions

4. bi-clausal

5. parallel merge

6. multi-dominance

واقع برآیند آوایی خطی‌سازی ادغام موازی سازه‌های گروه فعلی و گروه زمان در دو بند است: برآیند تحلیل اشراف چندگانه و ادغام موازی در ساخت‌های همپایگی پرسشواژه‌ای تبیین خصیصه‌های نحوی و معنایی منحصر به فرد این ساخت‌ها را به دنبال دارد.

#### (۶) کی VIP و با کی ازدواج کنیم؟

در این تحلیل، به‌طور مشخص، نشان خواهیم داد که همپایگی پرسشواژه‌ای در واقع، فقط، در سطح توصیف مصداق می‌یابد؛ آنجا که علی‌الظاهر دو پرسشواژه همپایه شده‌اند. این در حالی است که بر اساس تحلیل ارائه‌شده، همپایگی اصولاً در سطح دو بند شامل پرسشواژه رخ می‌دهد؛ به دیگر بیان، این ساخت‌ها حاصل ادغام موازی دو بند همپایه هستند که هر یک شامل یکی از پرسشواژه‌هاست و همپایه شدگی دو پرسشواژه صرفاً برآیند ظاهری خطی‌سازی آن دو بند همپایه است.

ساختار مقاله‌ی حاضر بدین‌صورت است که در بخش دوم نمایی کلی از ساخت همپایگی پرسشواژه‌ای با تکیه بر رده‌شناسی بینا زبانی این ساخت ارائه خواهد گردید؛ همچنین در این بخش به معرفی چهارچوب تحلیلی اتخاذی در این مقاله پرداخته خواهد شد. در بخش سوم، با تکیه بر داده‌های زبان فارسی، به تشریح ویژگی‌های منحصر به فرد نحوی و معنایی که همپایگی پرسشواژه‌ای را از دو ساخت همپایگی معمول و پرسش‌های چندگانه متمایز می‌سازد، خواهیم پرداخت. در بخش چهارم، با مبنا قرار دادن این ویژگی‌های ساختاری و معنایی، تحلیلی با بهره‌گیری از شق نظری ادغام موازی و اشراف چندگانه ارائه خواهد شد که دستکم می‌تواند ویژگی‌های مدنظر را تبیین کند. نهایتاً، بخش پنجم به‌مرور نتایج تحلیل اختصاص خواهد یافت.

## ۲- همپایگی پرسشواژه‌ای

اصطلاح همپایگی پرسشواژه‌ای به ساختی اطلاق می‌شود که در آن معمولاً دو پیوندهی پرسشواژه‌ای به‌وسیله‌ی کلمه‌ی عطف همپایه شده‌اند.

جامع‌ترین توصیفی که در قالب رده‌شناسی این ساخت در زبان‌های مختلف انجام پذیرفته است، لیپتاک (۲۰۱۲) است. لیپتاک بر اساس نوع پرسشواژه‌هایی که در همپایگی پرسشواژه‌ای شرکت می‌کنند زبان‌ها را در چهار رده قرار می‌دهد؛

رده‌ی صفر: در این رده زبان‌هایی قرار می‌گیرند که در آنها پرسشواژه‌ها مجاز به همپایگی نیستند؛ همانند زبان‌های ژاپنی و چینی.

رده‌ی آزاد<sup>۱</sup>: در این زبان‌ها، پرسشواژه‌ها اعم از موضوعی<sup>۲</sup> یا افزوده‌ای قابلیت همپایگی دارند؛ همانند مجاری، روسی و لهستانی.

رده‌ی افزوده‌ای<sup>۳</sup>: در این زبان‌ها، فقط پرسشواژه‌های افزوده‌ای می‌توانند همپایه شوند؛ همانند انگلیسی، هلندی و اسپانیایی.

رده‌ی آمیخته<sup>۴</sup>: در این زبان‌ها، پرسشواژه‌های موضوعی نمی‌توانند همپایه شوند، همپایگی فقط در سطح پرسشواژه‌های افزوده‌ای و یا افزوده‌ای و موضوعی‌های اختیاری است؛ مانند زبان آلمانی.

علیرغم اینکه رده‌شناسی لیپتاک (۲۰۱۲) بر مبنای مطالعه‌ی گسترده‌ی وسیعی از زبان‌ها صورت پذیرفته است، لیکن مشاهده‌ی ساخت‌های مشابه در زبانی مانند فارسی نیاز به طرح رده‌ی جدیدی را می‌طلبد که بسیار نزدیک به رده‌ی آمیخته است اما در عین حال با آن متفاوت است. در رده‌ی آمیخته، زبان‌هایی قرار دارند که پرسشواژه‌های موضوعی مجاز به همپایگی نیستند و تمایل غالب در این زبان‌ها به همپایگی پرسشواژه‌های افزوده‌ای محدود می‌شود. در عین حال، در زبان‌های این رده مشاهده می‌کنیم که موضوع‌های اختیاری<sup>۵</sup> می‌توانند در همپایگی شرکت کنند. اگرچه نمونه‌ی بارز این رده در زبان آلمانی متجلی است اما زبان انگلیسی نیز گاهی ویژگی‌های این رده را نشان می‌دهد:

- (7) why and where did you eat?  
 (8) what and why did you eat?  
 (9) \*who and where did you see?  
 (10) \* (to) who and what did you give?

در مثال (۷) مشاهده می‌شود که در زبان انگلیسی همپایگی دو پرسشواژه‌ی افزوده‌ای مجاز است. مثال شماره (۸) نشان می‌دهد که همپایگی پرسشواژه‌ی افزوده‌ای و موضوعی اختیاری نیز مجاز است. این در حالی است که در زبان انگلیسی همپایگی یک پرسشواژه‌ی افزوده‌ای و موضوعی اجباری غیرمجاز است (مثال ۹). پرواضح است که در این زبان، پرسشواژه‌های موضوعی اصولاً مجاز به همپایگی نیستند (مثال ۱۰). رده‌ای که در رده‌شناسی لیپتاک (۲۰۱۲) غایب است بالقوه شامل زبان‌هایی است که همانند

1. free  
 2. argument wh-words  
 3. adjunct  
 4. mixed

۵. موضوع اختیاری موضوعی است که قابلیت عدم تجلی و تعبیر تلویحی با دسته‌ای از فعل‌ها همچون خواندن و خوردن را دارد.

زبان‌های آمیخته، تمایل غالب به همپایگی دو افزوده دارند؛ لیکن یک پرسشواژه‌ی افزوده‌ای و یک پرسشواژه‌ی موضوعی (اعم از اختیاری یا اجباری) قابلیت همپایگی دارند. البته در این زبان‌ها، همچون زبان‌های رده‌ی آمیخته، دو پرسشواژه‌ی موضوعی نمی‌توانند در ساخت همپایگی شرکت کنند. مشاهده‌ی داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که در این زبان اگرچه همپایگی دو پرسشواژه‌ی افزوده‌ای اکثریت قریب به اتفاق ترکیب‌های ممکن را شکل می‌دهد اما همپایگی دو پرسشواژه‌ی افزوده‌ای و موضوعی اجباری نیز مجاز است یا دستکم در داده‌ها به صورت عینی قابل مشاهده است:

(۱۱). الف. چه شامپویی و چطور به موهایم بزنم؟ (برگرفته از [pirayeshgaran.com](http://pirayeshgaran.com))

ب. اولین نقاشی را چه کسی و کی کشیده است؟ (برگرفته از [mashreghnews.com](http://mashreghnews.com))

پ. قذافی توسط چه کسی و کجا کشته شد؟ (برگرفته از [shia-news.com](http://shia-news.com))

ت. چرا و چه کسی ظرف‌های مسی مردم ما را دزدید و برد؟ (برگرفته از [bmparsi.blogfa.com](http://bmparsi.blogfa.com))

در داده‌های (۱۱) شاهد همپایگی یک پرسشواژه‌ی افزوده‌ای و یک پرسشواژه‌ی موضوعی هستیم. در اینجا قصد نداریم سازوکارها و تنوع همپایگی پرسشواژه‌ای فارسی و تعیین رده‌ی آن را واکاوی کنیم؛ بلکه هدف از طرح موضوع بیان نارسایی رده‌شناسی این ساخت‌ها در بازشناخت ساخت‌های متناظر در زبان فارسی است. از منظر نظری، دو رویکرد اشراف چندگانه (با بهره‌گیری از شق نظری ادغام موازی) و حذف (با بهره‌گیری از حذف انسدادی) جهت تبیین ساختار نحوی همپایگی پرسشواژه‌ای پیشنهاد شده‌اند. این دو رویکرد به ترتیب در دو اثر سیتکو و گراچانین-یوکسک (۲۰۱۳) و جیاناکیدو و مرچنت (۱۹۹۸) متجلی هستند. نظر به اینکه پرداختن به رویکرد سیتکو و گراچانین-یوکسک (۲۰۱۳) نیاز به طرح شق نظری ادغام موازی دارد لذا در بخش چهارم، قبل از ارائه‌ی تحلیل ساختاری همپایگی پرسشواژه‌ای به تفصیل به معرفی رئوس اصلی ملحوظ در این رویکرد خواهیم پرداخت. نکته‌ی قابل‌ذکر در خصوص پیشینه‌ی پژوهشی مدنظر مقاله‌ی حاضر این است که در آثار پیشین صرفاً زبان‌هایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که دارای حرکت پرسشواژه هستند؛ این در حالی است که از سازوکار نظری ادغام موازی و اشراف چندگانه بر روی زبان فارسی به‌عنوان زبانی با ویژگی پرسشواژه در جای اصلی<sup>۱</sup> بهره گرفته می‌شود.

<sup>۱</sup>. wh-in-situ

### ۳- توصیف همپایگی پرسشواژه‌ای

برای شروع بحث به توصیف ویژگی‌ها و محدودیت‌های همپایگی پرسشواژه‌ها در زبان فارسی می‌پردازیم. در هر زیر بخش یکی از جنبه‌های موردنظر بررسی می‌شود.

#### ۳-۱- ناهمسانی نحوی و معنایی

(۱۲). الف. خسارت ناشی از تصادف رانندگی را باید از کی و چگونه مطالبه کرد؟ (برگرفته از khabarfarsi.com)

ب. قذافی توسط کی و کی کشته شد؟ (با تغییر توسط چه کسی به‌توسط کی، برگرفته از shia-news.com)

نمونه‌های (۱۲) نشان می‌دهند که همپایگی پرسشواژه‌ها از قانون همپایگی همسان‌ها<sup>۱</sup> تبعیت نمی‌کند. بر اساس ویلیامز (۱۹۸۱: ۶۴۶) فقط سازه‌های دارای مقوله‌ی نحوی همسان قابلیت همپایگی دارند؛ در داده‌های (۱۲) پرسشواژه‌های همپایه دارای مقوله‌های نحوی متفاوت گروه حرف‌افزافه (از کی، توسط کی) و گروه قیدی (چگونه، کی) می‌باشند. تفاوت دیگر همپایگی پرسشواژه‌ای با همپایگی معمول ناظر بر غیر همسانی نقش تتایی پیوندهای پرسشواژه‌ای است. در همپایگی معمول، پیوندها علاوه بر همسانی مقوله‌ی نحوی، دارای همسانی تتایی نیز هستند؛ به این مفهوم که پیوندها باید رابطه‌ی تتایی یکسانی نسبت به محمول داشته باشند؛

(۱۳). الف. محسن کتاب و دفترش رو از روی میز برداشت.

ب. \* محسن کتابش و دیشب از روی میز برداشت.

پ. دیروز در کتابخانه مریم و مینا را دیدم.

ت. \* دیروز کتاب به مریم و در کتابخانه دادم.

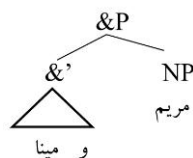
ث. استاد با جدیت اما با احترام به دانشجو تذکر داد.

ج. \* استاد با جدیت اما به دانشجو تذکر داد.

در نمونه‌های (۱۳) پیوندها دارای همسانی نحوی می‌باشند اما از آنجایی که همسانی تتایی مابین پیوندها در جملات (۱۳ الف، ت و ج) برقرار نیست، ساخت‌های حاصل غیردستوری هستند. به طور مشخص، در نمونه‌های غیردستوری شاهد همپایگی یک موضوع و یک افزوده هستیم؛ این در حالی است که در نمونه‌های دستوری، پیوندها یا هر دو موضوع همسان (۱۳ الف، پ) یا افزوده (۱۳ ث) هستند. در مقابل، داده‌های (۱۲) نشان می‌دهند که در همپایگی پرسشواژه‌ها الزامی به برقراری این همسانی نیست و پیوندها می‌توانند ترکیبی از موضوعی و افزوده‌ای باشند. از این دو تفاوت عمده‌ی

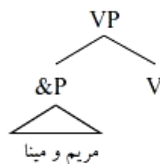
<sup>۱</sup>. Coordination of the Likes Law

همپایگی پرسشواژه‌ای و همپایگی معمول نتیجه می‌گیریم که این دو نوع همپایگی اصولاً دارای تاریخ اشتقاقی متفاوت هستند. به‌طور مشخص، از الزام در همسانی نحوی و معنایی پیوندها در همپایگی معمول چنین برمی‌آید که همپایگی پیوندها در گونه‌ی معمول ناشی از اشتقاق در پایه‌ی پیوندهاست. به بیانی دیگر، پیوندهای حاضر در همپایگی (به تعداد n) در یک جایگاه نحوی پس از همپایه‌سازی ادغام می‌شوند و به همین سبب است که کل ساخت همپایه، خوانشی واحد از نقش تتایی را نسبت به محمول تولید می‌کند. به‌طور کلی اشتقاق همپایگی معمول تابعی است از همان اصول اشتقاق ساخت‌های غیر همپایه (به‌جز فرایند اضافی همپایه‌سازی که آن را مصداقی از اشتقاق جانبی فرض می‌کنیم (نونز ۲۰۰۴، ژانگ ۲۰۰۹). برای نمونه، ساختار گروه همپایه در (۱۳ پ) این‌گونه است:



نمودار (۱) اشتقاق گروه همپایه

بر پایه‌ی این تحلیل، پیوندها در همپایگی معمول، به‌صورت مجزا و مستقل از اشتقاق‌های بعدی، پس از ادغام با هسته‌ی پیوند (&) شکل می‌گیرند و در نهایت به‌صورت یک سازه‌ی منفرد (&P) وارد فرایند ادغام در اشتقاق‌های متعاقب می‌شوند. نمودار (۲) ادغام متعاقب سازه‌ی همپایه با فعل و تشکیل گروه فعلی را نشان می‌دهد.



نمودار (۲) ادغام گروه همپایه و فعل

دو ویژگی همسانی مقوله‌ای و همسانی معنایی با این تحلیل قابل توجیه هستند. چنانچه همپایگی پیوندها در پایه صورت پذیرد و سپس گروه همپایه به‌صورت یک سازه‌ی واحد وارد اشتقاق‌های بالادستی شود آنگاه داریم: از آنجایی که ادغام فعل با متمم از طریق بازبینی مشخصه‌ی زیرمقوله‌ای فعل (مشخصه‌ی حاشیه) توسط متممی

با مشخصه‌ی مقوله‌ای متناظر صورت می‌گیرد &P به‌عنوان سازه‌ی متمم فعل (مثلاً دیدن) باید حاوی همان مشخصه‌های مقوله‌ای باشد که فعل آن را گزینش می‌کند. مشخصه‌ی مقوله‌ای &P تابعی از تراوش مشخصه‌های مقوله‌ای پیونده‌های آن است؛ چنانچه پیونده‌ها، هر دو، گروه اسمی باشند، &P بالطبع مشخصه‌ی مقوله‌ای اسمی خواهد داشت؛ و چنانچه پیونده‌ها گروه حرف‌افزای باشند، &P حاوی مشخصه‌ی مقوله‌ای حرف‌افزای خواهد بود. حال اگر فرضاً، پیونده‌ها دارای مقوله‌ی نحوی متفاوت باشند &P دارای دو نوع مشخصه‌ی مقوله‌ای نحوی متفاوت خواهد بود و این خود تخطی از اصل درون‌مرکزی فراقن‌های نحوی خواهد بود. لذا، تنها گزینه‌ی نظام اشتقاقی زبان برای تولید &P های دستوری، همپایه‌سازی پیونده‌های همسان نحوی است. با این تفاسیر، مشخصه‌ی زیرمقوله‌ای [N] فعل دیدن با مشخصه‌ی متناظر اسمی &P بازیابی شده و ادغام صورت می‌گیرد.

### ۳-۲- خوانش تک جفتی

یکی از ویژگی‌های ساخت‌های دارای پرسشواژه‌ی چندگانه خوانش چند جفتی<sup>۱</sup> آنهاست؛ بدین معنی که پاسخی که یک ساخت پرسشواژه‌ای چندگانه می‌طلبد فهرستی از x و y هاست که مورد پرسش قرار گرفته‌اند. برای روشن شدن موضوع به مثال‌های زیر توجه کنید:

(۱۴) در کتابخانه کی چی خواند؟

(۱۵) در مهمانی علی چی به کی داد؟

نمونه‌ی (۱۴) ناظر بر پرسشی است که در آن جفت‌هایی از افراد و نوشته‌ها مورد سؤال قرار می‌گیرند و بالطبع پاسخ می‌بایست مجموعه‌ای از جفت‌های مورد پرسش باشد؛ مثلاً (رضا، کتاب)، (مینا، روزنامه)، (محسن، مجله) و ... به همین منوال پاسخ پرسش (۱۵) مجموعه‌ای از جفت‌های مورد سؤال است، همچون (پرتقال، به رضا)، (سیب، به مینا)، (زردآلو، به محسن)<sup>۲</sup> و ... در تقابل با ساخت‌های پرسشواژه‌ای چندگانه، از ساخت‌های پرسشواژه‌ای همپایه خوانش تک جفتی استنباط می‌شود. به عبارتی دیگر،

<sup>۱</sup>. pair-list

<sup>۲</sup>. البته این نکته را نباید از نظر دوست داشت که بنابر مقتضیات بافتی، پاسخ ساخت‌های پرسشواژه‌ای چندگانه می‌تواند تک جفتی نیز باشد، اما تمایل عام برای پاسخ به پرسش‌های چندگانه از نوع چند جفتی است (کریمی و طالقانی ۲۰۰۷، کهنمویی پور ۲۰۰۱، لطفی ۲۰۰۳).



پرسشواژه‌های همپایه ناظر بر خوانشی هستند که در آن یک جفت  $x$  و  $y$  مورد پرسش قرار گرفته‌اند؛

(۱۶) اولین تلفن همراه را کی و کجا اختراع کرد؟ (برگرفته از yjc.ir)

(۱۷) هنرمندان کی و کجا رأی می‌دهند؟ (برگرفته از mostar.ir)

پاسخ به هر کدام از پرسش‌های بالا، مجموعه‌ای تک جفتی را شامل می‌شود. به‌طور مثال، پاسخ پرسش (۱۶) تک جفت (مارتین کوپر، آمریکا) و پاسخ پرسش (۱۷) تک جفت (۲۰ اردیبهشت، تالار وحدت) خواهد بود. دقت در این نکته لازم است که استنباط خوانش چند جفتی و تک جفتی تابعی از شیوه‌ی چینش پرسشواژه‌هاست؛ به این مفهوم که چنانچه پرسشواژه‌ها چندگانه و غیر همپایه باشند، خوانش چند جفتی؛ و چنانچه همپایه باشند، خوانش تک جفتی خواهد بود.

### ۳-۳- پسایندسازی

در ساخت‌های همپایه‌ی معمول، خروج یکی از پیوندها از گروه همپایه‌ای سبب نشان‌داری و تحت شرایطی خاص، بدساختی ساخت می‌شود؛ که می‌توان آن را مصداقی از محدودیت ساختار همپایه (راس ۱۹۶۷) قلمداد کرد؛ به تقابلهای زیر توجه کنید:

(۱۹) الف. مریم و مینا هم‌سن هستند. / \* مریم هم‌سن هستند و مینا. / \* مریم هم‌سن است و مینا.

ب. مینا و مریم فردا می‌رسند. / \* مینا فردا می‌رسد و مریم.

پ. آریا مینا و مریم را دید. / \* آریا مینا را دید و مریم.

ت. طلا و نقره به‌راحتی ترکیب شدند. / \* طلا به‌راحتی ترکیب شد و نقره. / \* طلا به‌راحتی ترکیب شدند و نقره.

در مقابل، پسایندسازی یکی از پیوندها، در ساخت‌های همپایگی پرسشواژه‌ای، کاملاً دستوری و عاری از هرگونه نشان‌داری است:

(۲۰) الف. گل دوم را چه کسی و چطور به ثمر رساند؟

ب. گل دوم را چه کسی به ثمر رساند و چطور؟

پ. اولین تلفن همراه را کی و کی اختراع کرد؟

ت. اولین تلفن همراه را کی اختراع کرد و کی؟

ث. کی و چگونه گلدان‌ها را عوض کنیم؟

ج. کی گلدان‌ها را عوض کنیم و چگونه؟

### ۳-۴- پیوندهای دوگانه

در ساخت‌های همپایه‌ی معمول، بنابر مقتضیات بافتی و کلامی، محدودیتی بر تعداد پیوندها وجود ندارد:

(۲۱) محسن در کتابخانه مینا و سینا و آریا و ... را دید.

چنانچه تعداد پیوندها در ساخت‌های همپایه بیش از دو باشد معمولاً تمایل غالب در زبان‌ها این است که کلمه‌ی عطف پیوندی تنها در آخرین پیوند ذکر شود و مابقی رخدادهای عطف به قرینه حذف شوند:

(۲۲) محسن در کتابخانه مینا، سینا و آریا را دید.

در تقابل با این عدم محدودیت در تعدد پیوندهای ساخت‌های همپایه‌ی معمول، تعداد پیوندهای پرسشواژه‌ای در ساخت‌های همپایه‌ی پرسشواژه‌ای، غالباً، محدود به دو است:

(۲۳) الف. مینا کی و کجا متولد شد؟

ب. چرا و چه کسی ظرف‌های مسی مردم ما را دزدید؟

پ. شیر را کی و با چی بخوریم؟

ت. نمی‌دانیم به چه کسی و کجا مراجعه کنیم؟

ج. این نقاشی را چه کسی و کی کشیده است؟

نگارندگان در جستجوی پیکره‌ای و منابع نوشتاری زبان فارسی به نمونه‌ای که دال بر همپایه‌سازی بیش از دو پیوندهای پرسشواژه‌ای باشد برخورد نکرده‌اند. تنها موردی که در جستجوهای فوق‌الذکر به ثبت رسیده است نمونه‌ی (۲۴) است که به‌وضوح پیداست ساختی حاوی همپایگی نیست؛ بلکه نمونه‌ای از پرسشواژه‌های چندگانه است:

(۲۴) در سوریه چه کسی، کجا، با چه کسی می‌جنگد؟ (برگرفته sputniknews.com)

اینکه ساخت فوق نمونه‌ای از ساخت همپایه‌ی پرسشواژه‌ای نیست بر دو استدلال استوار است، نخست آنکه در این ساخت شاهد هیچ‌گونه رخداد کلمه‌ی عطف نیستیم (حتی در بین دو پرسشواژه‌ی پایانی) و دوم آنکه پرسش (۲۴) ناظر بر پاسخی چند جفتی است این در حالی است که پرسشواژه‌های همپایه‌ای پاسخی تک جفتی را می‌طلبند.

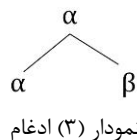
### ۴- ساختار دوبندی

نظر به تفاوت‌های ساختاری و تعبیری ساخت‌های همپایه‌ی پرسشواژه‌ای با ساخت‌های همپایه‌ای معمول و همچنین ساخت‌های پرسشواژه‌ای چندگانه، در این بخش قصد

داریم تحلیلی از ساخت‌های همپایه‌ی پرسشواژه‌ای ارائه دهیم که بر اساس آن ساخت‌های همپایه‌ی پرسشواژه‌ای دارای ساختار همپایه‌ی دوبندی هستند. برآیند آوایی این همپایگی، پس از اعمال قواعد خطی‌سازی، همپایگی ظاهری پرسشواژه‌هاست. تحلیل حاضر، مبنی بر ساختار دوبندی ساخت‌های همپایه‌ی پرسشواژه‌ای، مستلزم قائل شدن به ادغام موازی عناصر واژگانی است. لذا قبل از پرداختن به تحلیل داده‌ها، در بخش بعد به ارائه‌ی کلیاتی در خصوص ساختارسازی و ادغام موازی می‌پردازیم.

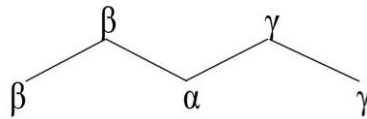
#### ۴-۱- ادغام موازی

در برنامه‌ی کمینه‌گرا، ساختار سازه‌ای گروه‌ها و جمله‌های زبانی از عملیات ادغام، به‌عنوان اساسی‌ترین فرایند ترکیب‌پذیری، منتج می‌شود (چامسکی ۲۰۱۵). به‌طور مشخص، ادغام، در هر بار اعمال آن، دو عنصر نحوی (که می‌توانند عناصر واژگانی یا ساختارهای نحوی از قبل ادغام‌شده باشند) را با هم ترکیب کرده و منجر به تولید یک عنصر نحوی جدید و فرافکنی مقوله‌ی یکی از دو عنصر ادغام‌شده به‌عنوان برجسب عنصر نحوی جدید می‌شود. به‌دیگر بیان، ادغام صرفاً عملیات ترکیب دو عنصر نیست؛ بلکه در طی این عملیات، عنصری جدید با برجسبی جدید تولید می‌شود؛ مثلاً اگر دو عنصر واژگانی  $\alpha$  و  $\beta$  داشته باشیم، در طی فرایند ادغام این دو عنصر با هم ترکیب‌شده و عنصر نحوی جدیدی شکل می‌گیرد که ماهیت آن توسط یکی از دو عنصر  $\alpha$  یا  $\beta$  تعیین می‌شود، در نمودار زیر دو عنصر  $\alpha$  و  $\beta$  با هم ادغام‌شده و در نتیجه‌ی این ادغام عنصر  $\alpha$  مقوله‌ی نحوی خود را به عنصر نحوی جدید فرافکنی می‌کند:



با این تفاسیر، ادغام صرفاً مجموعه‌ای متشکل از  $\alpha$  و  $\beta$  نیست بلکه مجموعه‌ای از  $\alpha$  و  $\beta$  و یک عنصر نحوی جدید است که  $\alpha$  آن را برجسب‌گذاری می‌کند؛ پس در نتیجه‌ی ادغام  $\alpha$  و  $\beta$  داریم:  $\{\alpha, \{\alpha, \beta\}\}$ . زبان‌شناسانی همچون سیتکو (۲۰۰۵، ۲۰۱۱) و گراچانین-یوکسک (۲۰۰۷) این شق نظری را مطرح می‌کنند که چنانچه عملیات ادغام، عملیاتی آزاد باشد (در این تعبیر که هر دو عنصری که همخوانی مشخصه‌ای داشته باشند، می‌توانند تحت عملیات ادغام قرار بگیرند)، منطقیاً، لزومی بر قائل شدن به ادغام دوگانه نیست (کین ۱۹۸۴). به تعبیر این زبان‌شناسان، بیش از دو عنصر واژگانی یا نحوی می‌توانند هم‌زمان وارد فرایند ادغام شوند. البته باید این نکته را در نظر داشت که

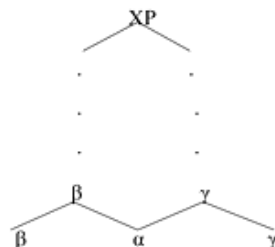
مقصود این زبان‌شناسان تولید ساخت‌های مسطح نیست که در آن رابطه‌ی یک-به-چند مابین گره مادر و دخترها وجود دارد. برای این زبان‌شناسان، ادغام می‌تواند ساختاری با اشراف چندگانه تولید کند که در آن یک گره دختر می‌تواند به‌صورت هم‌زمان دو گروه مادر داشته باشد. در واقع، آنچه این زبان‌شناسان قصد دارند از هندسه‌ی این فرایند مشتق کنند این است که یک عنصر نحوی / واژگانی به‌طور هم‌زمان می‌تواند با بیش از یک عنصر واژگانی / نحوی دیگر ادغام شود:



نمودار (۴) ادغام موازی

برای اشتقاق ساختار (۴)، فرض کنید سه عنصر واژگانی / نحوی  $\alpha$ ،  $\beta$  و  $\gamma$  تحت عملیات ادغام قرار می‌گیرند. در این ساختار  $\beta$  و  $\gamma$  به‌صورت هم‌زمان و موازی با  $\alpha$  ادغام می‌شوند و با این فرض که  $\beta$  و  $\gamma$  هسته هستند هر کدام فرافکنی ساختار خود را تعیین می‌کنند. در این ادغام  $\alpha$  نقش متمم مشترک  $\beta$  و  $\gamma$  را ایفا می‌کند. در ادغام موازی، ادغام همچنان دوگانه است در این مضمون که همچنان هر گره مادر فقط بر دو گروه دختر اشراف دارد؛ آنچه ادغام موازی را از ادغام متعارف متمایز می‌سازد این فرض نظری است که یک گره دختر می‌تواند بیش از یک گره مادر داشته باشد؛ یعنی اشراف چندگانه‌ی دو گره بر یک گره؛ به بیانی دیگر، دو گره مادر می‌توانند یک گره دختر را به اشتراک بگذارند. پس از تشکیل ساختار فوق، هر یک از فرافکنی‌ها به‌صورت معمول و به‌طور موازی وارد اشتقاق‌های نحوی بالادستی می‌شوند. محدودیتی که بر ساختارهای حاصل از ادغام موازی اعمال می‌شود شرط ریشه‌ی واحد<sup>۱</sup> است (سیتکو ۲۰۱۱، کولب و مونیچ ۱۹۹۹، مک‌کالی ۱۹۸۲)؛ به این مفهوم که اگرچه اشتقاق‌های حاصل از ادغام موازی به‌صورت هم‌زمان گسترش می‌یابند (ریشه‌های دوگانه) اما در مرحله‌ای از اشتقاق هر دو اشتقاق موازی باید هم‌گرا شوند و به‌صورت یک ریشه‌ی (XP) واحد درآیند. ادغام موازی (و اشراف چندگانه) به‌عنوان یک شق نظری، ابزاری را فراروی زبان‌شناسان کمینه‌گرا نهاده است تا با استعانت از آن به تحلیل ساخت‌هایی بپردازند که پیش از آن توسل به ساز و کارهای تقریری در تحلیل آنها اجتناب‌ناپذیر بود.

<sup>۱</sup>. single-root condition



نمودار (۵) ریشه‌ی واحد در ادغام موازی

عمده‌ی کاربرد تحلیلی ادغام موازی در تبیین ساخت‌هایی است که در آنها بخشی از ساخت، خواه سازه‌ی کامل یا ناقص، ظاهراً، از دو جایگاه نحوی متفاوت منبعت شده است؛ به عبارتی دیگر، بخشی از ساخت، فصل مشترک دو ساخت مستقل را شکل می‌دهد. خلاء نحوی و ارتقا گره راست مصداق‌هایی از ساخت‌های موردنظر هستند که در آنها، بر اساس تحلیل‌های متعارف زایشی، بخشی از ساخت، به هر دو سازه‌ی مشرف بر آن ساخت تعلق دارد. با این مفروضات نظری، در بخش بعد به تحلیل ساخت‌های همپایه‌ی پرسشواژه‌ای می‌پردازیم.

#### ۴-۲- همپایگی در ریشه

تحلیل حاضر از ساخت‌های حاوی همپایگی پرسشواژه‌ای بر پایه‌ی ادغام موازی و اشراف چندگانه استوار است. مشخصاً، در تحلیل پیشنهادی، جملات حاوی همپایگی پرسشواژه‌ای اصولاً دارای همپایگی پرسشواژه‌ها نیستند، بلکه این جمله‌ها دارای ساختاری دوبندی هستند که هر کدام از این بندها حاوی یک پرسشواژه است و این دو بند هستند که در نهایت بر اساس شرط ریشه‌ی واحد همپایه می‌شوند. خطی‌سازی دو بند همپایه‌ی مذکور موجب خوانشی آوایی از دو بند همپایه می‌شود که در ظاهر امر دو پرسشواژه همپایه شده‌اند. با نمونه‌ی زیر، به بیان جزئیات تحلیل پیشنهادی می‌پردازیم؛

(۲۵) مینا کی و کجا متولد شد؟

بر پایه‌ی تحلیل حاضر، جمله‌ی (۲۵) حاصل ادغام موازی دو بند است که در آن زنجیره‌ی به اشتراک گذاری شده مینا ... متولد شد است؛ در حالی که پرسشواژه‌های کی و کجا عناصر افتراقی (غیرمشترک) در این دو بند هستند. صرف‌نظر از تحلیل ادغام موازی، ساختار جمله‌ی (۲۵) شبیه به (۲۶) است:

(۲۶) مینا کی متولد شد و مینا کجا متولد شد؟

در تحلیل حذفی ساخت همپایگی پرسشواژه‌ای، می‌بایست به ساختاری همچون (۲۷)، پس از اعمال قاعده‌ی حذف، قائل شویم:

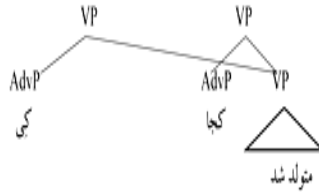
(۲۷) مینا کی متولد شد و مینا کجا متولد شد؟

در تحلیل حذفی فوق که مشابه آن توسط جیاناکیدو و مرچنت (۱۹۹۸) تحت عنوان حذف انسدادی پسرو<sup>۱</sup> طرح گردیده است، با چالش‌هایی نظری مواجه می‌شویم که مهم‌ترین آن عدم تبعیت عناصر محذوف از یک قاعده‌ی حذفی واحد است چراکه در تحلیل حذفی، گروه فعلی بند اول و فاعل بند دوم می‌بایست تحت شرایط همانندی ساختاری و معنایی حذف شوند. از آنجایی که قطعات محذوف تشکیل یک سازه‌ی نحوی نمی‌دهند و بدتر، اینکه قطعات محذوف در سطح دو بند توزیع شده‌اند؛ به دست دادن تحلیلی جامع و مانع در خصوص ماهیت عناصر محذوف از یک سو و چگونگی اعمال قاعده‌ای که هم‌زمان، فرابندی عمل کند با چالش‌های جدی مواجه است (سیتکو و گراچنین-یوکسک ۲۰۱۳).

در تحلیل ادغام موازی، ساختار دوبندی همپایه‌شده، حاصل ادغام موازی دو بند است و اصولاً عنصری محذوف در ساختار وجود ندارد. بر اساس ادغام موازی، چنانچه زنجیره‌هایی مابین دو ساخت مشترک باشند این زنجیره‌ها ماحصل ادغام موازی می‌باشند. بر این اساس، از آنجایی که ادغام موازی همچون ادغام متعارف آزاد عمل می‌کند زنجیره‌هایی هم که سازه‌ی نحوی نیستند می‌توانند هدف ادغام موازی قرار بگیرند. با این تفاسیر، به بیانی غیر فنی، در جمله‌ی (۲۵)، مینا فاعل مشترک دو بند است و همچنین فعل متولد شد زنجیره‌ی مشترک بین دو گروه فعلی در دو بند است (برای وضوح در بیان مراحل اشتقاق از تمایز فرافکنی گروه فعلی هسته‌ای و پوسته‌ای صرف نظر می‌کنیم):

مرحله‌ی اول: گروه فعلی متولد شد (در یکی از بندها) تولید می‌شود. از آنجایی که این گروه سازه‌ی مشترک در هر دو بند است هدف ادغام موازی با هر دو افزوده‌ی کی و کجا قرار می‌گیرد؛ بنابراین، دو پرسشواژه‌ی افزوده‌ای هر کدام در بند خود هستند، در حالی که گروه فعلی مشترکی را هدف ادغام موازی قرار می‌دهند:

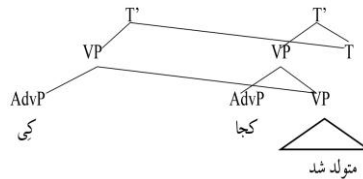
<sup>۱</sup>. reverse sluicing



نمودار (۶) اشتقاق گروه فعلی موازی

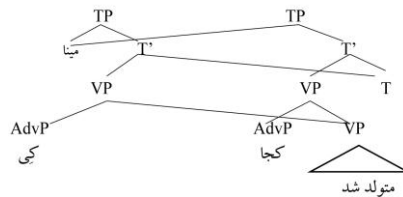
همان‌گونه که مشاهده می‌شود گره VP هدف ادغام موازی هر دو افزوده‌ی پرسشی در دو بند متفاوت قرار می‌گیرد و هرکدام از این ساختارهای موازی به گروه VP جداگانه گسترش می‌یابند.

مرحله‌ی دوم: از آنجایی که عنصر زمان در این دو بند مشترک است، هسته‌ی زمان هدف ادغام موازی با هرکدام از VP های مشتق شده قرار می‌گیرد و در نتیجه‌ی آن هرکدام از بندها به‌طور جداگانه به فرافکنی T' گسترش می‌یابند:



نمودار (۷) اشتقاق گروه زمان موازی

مرحله‌ی سوم: فاعل مشترک مینا به ساختار اضافه می‌شود. طبق روال پیشین، از آنجایی که این فاعل سازه‌ی مشترک در هر دو بند است این سازه هدف ادغام موازی هر دو لایه‌ی T' واقع می‌شود. به بیانی دیگر، جایگاه مشخص‌گر TP در هر دو بند توسط ادغام موازی با یک گروه اسمی واحد گسترش می‌یابد:

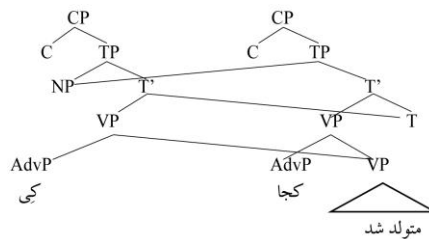


نمودار (۸) ادغام موازی فاعل

در اینجا ذکر این نکته لازم است که تا مرحله‌ی T'، سازه‌هایی که هدف ادغام موازی قرار گرفته‌اند در بند سمت راست قرار دارند در حالی که ادغام موازی برای گسترش مشخص‌گر گروه‌های TP گروه اسمی واقع در بند چپ را هدف قرار داده است. این تغییر در جهت ادغام موازی به سبب هسته-پایانی بودن و مشخص‌گر-ابتدایی بودن زبان

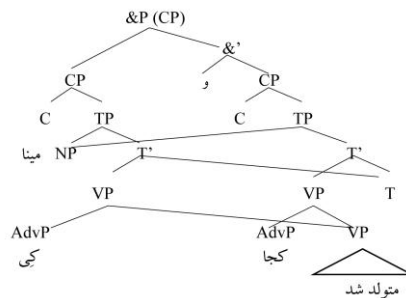
فارسی است. از آنجایی که فرایند ادغام به صورت آزاد صورت می‌گیرد، ادغام موازی می‌تواند در هر جهتی سازه‌ها را هدف قرار دهد و این از مزایای این رویکرد نظری است؛ چراکه، همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، تحلیل حذفی با قائل شدن به حذف فاعل در بند دوم عملاً نمی‌تواند تحلیلی همگن از حذف گروه فعلی پایانی در بند اول و حذف فاعل ابتدایی در بند دوم را ارائه دهد.

مرحله‌ی چهارم: از آنجایی که دو بند حاوی پرسشواژه‌های مجزا هستند لذا هر دو خوانشی استفهومی را تولید می‌کنند. در این مرحله، هرکدام از اشتقاق‌ها به صورت همزمان و به‌طور متعارف گسترش می‌یابند و هرکدام از هسته‌های متمم‌نا حامل مشخصه‌ی [+پرسشی] مختص به خود هستند:



نمودار (۹) ادغام هسته‌های متمم‌نا

مرحله‌ی پنجم: پس از شکل‌گیری هرکدام از بندهای متمم‌نمای پرسشواژه‌ای، این دو بند برای احراز شرط ریشه‌ی واحد با هم همپایه می‌شوند:



نمودار (۱۰) همپایگی بندهای موازی

با ادغام نهایی دو بند، الگوریتم خطی‌سازی جمله‌ی مینا کی و کجا متولد شد را به دست می‌دهد.

### ۴-۳- تبیین ویژگی‌های همپایگی پرسشواژه‌ای

همان‌گونه که در بخش سوم به تفصیل ذکر آن رفت، ویژگی‌های همپایگی پرسشواژه‌ای به این شرح می‌باشند: ناهمسانی نحوی و معنایی، خوانش تک جفتی، پسایندسازی و



پیوندهای دوگانه. در این بخش سعی بر آن است که از رهگذر تحلیل ارائه‌شده در بخش ۲.۴ به تبیین ویژگی‌های فوق‌الذکر بپردازیم.

بر اساس تحلیل ادغام موازی پیوندهای پرسشواژه‌ای، همپایگی در سطح بندهای حاوی پیوندها رخ می‌دهد؛ بنابراین تجلی روساختی همپایگی پرسشواژه‌ای صرفاً امری ظاهری بوده و مربوط به قواعد خطی‌سازی دو بند همپایه‌ی مستقل است. از آنجایی که در تحلیل ادغام موازی، پرسشواژه‌ها اصولاً دستخوش همپایگی نمی‌شوند بلکه هرکدام از آنها به‌صورت مستقل در بند شامل خود وارد اشتقاق نحوی می‌شوند؛ احراز شروط همسانی نحوی و معنایی موضوعیت نمی‌یابد.

ویژگی دوم همپایگی پرسشواژه‌ای خوانش تک جفتی است. در پرسشواژه‌های چندگانه، خوانش چند جفتی به این سبب است که همه‌ی پرسشواژه‌های دخیل، در درون یک‌بند واحد مشتق می‌شوند و در نهایت خوانش معنایی آنها به‌صورت مجموعه‌ای از پرسش‌ها (مجموعه‌ای از مجموعه‌ی گزاره‌ها  $(type (pt,t))$ ) صورت می‌پذیرد (هاگستروم ۱۹۹۸، کوتک ۲۰۱۶). چنانچه پرسشی، تنها ناظر بر یک مجموعه از گزاره‌ها باشد  $(type (pt))$  خوانش تک جفتی از این پرسش استنباط می‌شود؛ پرسش‌های ساده یا یگانه نمونه‌ای از مورد دوم می‌باشند (بوشکوویچ ۲۰۱۵، کوتک و ارلواین ۲۰۱۶).

در تحلیل ادغام موازی، پرسشواژه‌ها (-ی ظاهراً همپایه) هرکدام به‌صورت مستقل در بند شامل خود وارد اشتقاق می‌شوند، فلذا هرکدام از بندهای همپایه به‌صورت یک‌بند واحد (و یک گزاره‌ی مستقل) خوانش پرسشی یگانه را سبب می‌شود و در نهایت پس از همپایگی دو بند (دو گزاره با خوانش‌های یگانه) منجر به تولید مجموعه‌ای دو عضوی از گزاره‌ها می‌شود که مبنای خوانش تک جفتی (دو عضو یگانه) را فراهم می‌آورد.

در همپایگی معمول، پس‌اندسازی یکی از پیوندها منجر به غیردستوری شدن و یا دست‌کم بدساختی سازه‌ی شامل می‌شود. این امر مصداقی از نقض شرط (جزیره‌ی) سازه‌ی همپایه است که بر اساس آن حرکت از درون یک سازه‌ی همپایه غیردستوری است (راس ۱۹۶۷)؛ اما این شرط ظاهراً در همپایگی پرسشواژه‌ای موضوعیت نمی‌یابد. بر اساس تحلیل ادغام موازی، پرسشواژه‌های شرکت‌کننده در این نوع همپایگی اصولاً همپایه نیستند و سازه‌ی واحد را تشکیل نمی‌دهند، بنابراین هرگونه حرکت، اعم از پس‌اندسازی یا پیش‌اندسازی یکی از پرسشواژه‌ها ناقض هیچ محدودیت حرکتی درون-بندی نیست.

تعداد پرسشواژه‌های دخیل در همپایگی پرسشواژه‌ای غالباً محدود به دو است؛ این در حالی است که پیوندها در همپایه‌های معمول و پرسش‌های چندگانه می‌تواند بیش از دو باشند. همان‌گونه که به ذکر آن رفت، همپایگی پرسشواژه‌ای صرفاً پدیده‌ای ثانویه است که بر اثر خطی‌سازی دو بند همپایه‌ی حاوی پرسشواژه تولید می‌گردد. با این تفاسیر، تعداد پرسشواژه‌های دخیل در ساخت‌های پرسشواژه‌ای (در ظاهر) همپایه‌ی تابعی از تعداد بندهای همپایه شده است. بر اساس نظر باخراچ و کتیزیر (۲۰۱۷)، دوریس (۲۰۰۹)، سینکو (۲۰۱۱) و گراچانین-یوکسک (۲۰۰۷)، در ادغام موازی، یک گره دختر نمی‌تواند بیش از دو گره مادر داشته باشد چراکه در صورت ادغام‌های موازی بیشتر، خطی‌سازی سازه‌ی حاصل امکان‌پذیر نیست. با این توضیح، از آنجایی که پرسشواژه‌های همپایه در واقع منبعث از همپایگی بندهای پرسشی هستند و این همپایگی حاصل از ادغام موازی است لذا تعداد بندهای مشمول فرایند ادغام موازی بیش از دو نمی‌تواند باشد و برآیند این امر، در روساخت، تمایل به تشکیل پرسشواژه‌های همپایه دوتایی است.

##### ۵- نتیجه

در این مقاله سعی شد تا پرتویی بر ساختار نحوی بندهایی افکنده شود که حاوی همپایگی پرسشواژه‌ای هستند. همپایگی پرسشواژه‌ای دارای قرابت ساختی با همپایگی معمول و پرسش‌های چندگانه است. علیرغم این شباهت‌های ظاهری، ویژگی‌های منحصربه‌فرد نحوی و معنایی همپایگی پرسشواژه‌ای که آن را از دو ساخت دیگر متمایز می‌سازد برشمرده شد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: عدم تبعیت از قانون همسانی همپایه‌ها، خوانش تک جفتی، پسایندسازی پیوندها و محدودیت تعداد همپایه‌ها. با مبنا قرار دادن این ویژگی‌ها و تمایزها، نخست نشان دادیم که همپایه‌های معمول و پرسش‌های چندگانه دارای ساختار تک‌بندی و مشتق در پایه هستند. سپس با بهره‌گیری از شق نظری ادغام موازی و اشراف چندگانه تحلیلی از ساختار نحوی بندهای حاوی همپایگی پرسشواژه‌ای به دست داده شد که بر اساس آن همپایگی پرسشواژه‌ای واقعیت نحوی ندارد و اینکه بندهای حاوی همپایگی پرسشواژه‌ای اصولاً ساختار دوتایی دارند. هر یک پرسشواژه‌های دخیل در همپایگی به‌صورت جداگانه در یکی از بندها ادغام می‌شود. دو بند مذکور خود تابعی از ادغام موازی سازه‌های VP و TP هستند که

به طور متقارن و مستقل مشتق شده و سپس در نهایت در سطح CP با تبعیت از اصل ریشه‌ی واحد به هم پیوند خورده و همپایه می‌شوند؛ بنابراین، سازه‌های همپایه شده، در واقع، دو بند حاوی پرسشواژه‌ها هستند نه خود پرسشواژه‌ها. همپایگی روساختی پرسشواژه‌ها برآیند خطی‌سازی دو بند همپایه شده در بخش صورت آوایی است. در سطح تبیین نظری، رویکرد اشراف چندگانه از کفایت بالاتری در تبیین ساختار نحوی همپایگی پرسشواژه‌ای، نسبت به رویکرد حذفی، برخوردار است.

### منابع

- Bachrach, A, and R. Katzir. 2017. Linearizing structures, *Syntax*, 20:1–40.
- Bošković, Ž. 2015. Wh-movement. In A. Fabregas, J. Mateu, and M. Putnam (eds), *Contemporary linguistic parameters* (251-280), Bloomsbury.
- Chomsky, N. 2015. Problems of projection: extensions. In E. Domenico, C. Hamann and S. Matteini (eds), *Structures, strategies and beyond: studies in honour of Adriana Belletti* (1-16), John Benjamins.
- Citko, B. 2005. On the nature of merge: external merge, internal merge, and parallel merge, *Linguistic Inquiry*, 36(4):475-496.
- . 2011. *Symmetry in syntax: Merge, move and labels*, Cambridge University Press.
- Citko, B, and M. Gračanin-Yuksek. 2013. Towards a new typology of coordinated wh-questions, *Journal of Linguistics*, 49(1):1-32.
- Collins, C. 2005. A smuggling approach to the passive in English, *Syntax*, 8: 81–120.
- De Vries, M. 2009. On multidominance and linearization, *Biolinguistics* 3(4):344-403.
- Giannakidou, A, and J. Merchant. 1998. Reverse sluicing in English and Greek, *The Linguistic Review*, 15(2):233-256.
- Gračanin-Yuksek, M. 2007. About sharing, Doctoral dissertation, MIT.
- Hagstrom, P. 1998. Decomposing questions, Doctoral dissertation, MIT.
- Kahnemuyipour, A. 2001. On wh-questions in Persian, *Canadian Journal of Linguistics*, 46:41-61.
- Karimi, S, and A. Taleghani. 2007. Wh-movement, interpretation, and optionality in Persian. In S. Karimi, V. Samiiian and W. Wilkins (eds), *Clausal and Phrasal Architecture: Syntactic Derivation and Interpretation* (167-187), John Benjamins.
- Kayne, R. 1984. *Connectedness and binary branching*, MIT Press.
- Kolb, H, and U. Monnich. 1999. *The mathematics of syntactic structure: trees and their logics*, De Gruyter: Mouton.
- Kotek, H. 2016. Covert partial wh-movement and the nature of derivations, *Glossa*, 1(1):25:1–19.

- Kotek, H, and M. Y. Erlewine. 2016. Covert pied-piping in English multiple wh-questions, *Linguistic Inquiry*, 47(4):669–693.
- Lipták A. 2012. Strategies of wh-coordination, *Linguistic Variation*, 11(2):149-188.
- Lotfi, A, R. 2003. Persian wh-riddles, In C. Boeckx and K. Grohmann (eds), *Multiple wh-fronting* (161-186), John Benjamins.
- McCawley, J. D. 1982. Parentheticals and discontinuous constituent structure, *Linguistic Inquiry*, 13(1):91-106.
- Nunes, J. 2004. *Linearization of chains and sideward movement*, MIT Press.
- Ross, J. R. 1967. Constraints on Variables in Syntax, Doctoral dissertation, MIT.
- Williams, E. 1981. Transformationless grammar, *Linguistic Inquiry*, 12(4):645-653.
- Zhang, N. 2009. *Coordination in Syntax*, Cambridge University Press.